

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ اگست ۲۰۲۰

به ارتباط رهائی ۴۰۰ زندانی طالب!

یکشنبه- ۱۲ اسد ۱۳۹۹- کابل: از چندی بدین سو که باز هم "غنی احمدزی" همان سیاست فریبکارانه همیشگی اش را عمده ساخته و می خواهد چنان وانمود نماید که گویا با رهائی زندانیان طالب مخالف است و نمی خواهد زیر فشار امریکا به این کار دست یازد، یکی از مهمترین خبرهای روز، مسأله رهائی ۴۰۰ زندانی باقی مانده از لیست ۵۰۰۰ زندانی طالب است که گویا به گره کوری تبدیل شده، در حالی که "غنی احمدزی" رسماً رهائی آنها را به تدویر "لویه جرگه مشورتی" محول نمود و نماینده خاص وزارت خارجه امریکا در امر تأمین صالح در افغانستان و مذاکره با طالب "خلیلزاد" پیشنهاد نظر بند شدن آنها را مطرح ساخت و طالب هم دوطای را در یک موزه کرده که بدون رهائی آن ۴۰۰ تن نه تنها حرفی از مذاکرات صلح و آتش بس در میان نخواهد بود بلکه بر شدت حملات خویش خواهد افزود، می خواهم در یادداشت مختصر امروز بر آن مکث کوتاهی نمایم:

۱- تجارب گذشته از برخورد های "غنی احمدزی" نشان داده است که وی مصداق کامل ضرب المثل "سخت گیر نرمه فس" می باشد، یعنی در آغاز چنان وانمود می نماید که هیچ گونه توافقی با پیشنهاد طرف مقابل ندارد و حتا حاضر نیست آن را بشنود و سخت سروصدا نیز که مبین مخالفتش باشد به راه می اندازد، اما چندی بعد، مانند بوقانه ای که ترکیده باشد و بادش برود، خود را چمک کرده با خنده های احمقانه که دیگر بر همگان آشناست، از خط سرخش عدول نموده، حتا بیشتر از پیشنهاد طرف مقابل عقب نشینی می کند. یعنی اگر آنها خواستار رهائی ۵۰۰ تن باشند، "غنی احمدزی" ۱۰۰۰ نفر را رها می کند. چنین طرز العملی در فرهنگ ما به دو چیز تشبیه شده است که بدان با در نظر داشت محدودیت های خودسانسوری اشاره می نمایم:

مردم به چنین افرادی می گویند: کارشان به خر و خوردن پوست خربوزه می ماند، یعنی اول آن را خوب به خاک می مالند بعداً می خورند. در مثال دوم که بالنسبه رکیک است، می گویند "دادن را می دهد خود دل ک ... را او کده"

۲- از آن جایی که قبلاً راجع به صلاحیت های قانونی این دلقک استعمار بر مبنای قوانین حاکم بر افغانستان که ساخت استعمار است تذکراتی داده ام، در اینجا بدانها نپرداخته، صریحاً یادآور می گردم. بر مبنای قوانین نافذ کشور، نه رئیس جمهور و نه هم "لویه جرگه" و یا "کوچنی جرگه!!" هیچ یک حق ندارند، حتا زیر عنوان "مصلحت عامه" حق العبد را ببخشند و یا مانع حصول آن بگردند.

در نتیجه هرگاه تمام زندانی هائی که تا اکنون رها شده اند، همه زندانی سیاسی بوده اند، با آن که در قانون پیشینی نشده است مگر رئیس جمهور صلاحیت دارد و می تواند زیر عنوان "مصلحت عامه" آنها را از زندان رها کند، هرگاه در آن جمع کسانی بوده است که زندانی سیاسی نه، بلکه جرایم جنائی داشته اند، رئیس جمهور تا حال هم قانون شکنی کرده، به گفته مردم "گوه خورده" است که آنها را رها کرده است.

۳- و اما این که در مورد ۴۰۰ زندانی باقی مانده، مقامات دولتی بدون آن که رسماً و سیاه بالای سفید اعلام دارند که جرم آنها چه است، تلویحاً بیان می دارند که آنها در کل متشکل از سه بخش اند: تروریست های خارجی، جنایتکارانی که حق العبد در مورد شان وجود دارد و قاچاقبران مواد مخدر.

در این جا به نظر حداقل جهت راستی آزمائی "غنی احمدزی"، دولت می تواند:

اسامی ۴۰۰ نفر را با تعلق ملی و نوعیت جرم شان رسماً اعلام بدارد. نباید فراموش کرد که چون در مورد آنها فیصله محکمه وجود دارد، اصل حفاظت از هویت افراد بیگناه نیز منتفی است. با این کار ارگ به چند هدف همزمان نایل می گردد:

*- هرگاه واقعاً اتباع خارجی در میان آن ۴۰۰ نفر وجود داشته باشد گذشته از این که موجودیت آنها دلیلی می شود بر ارتباط طالب با تروریسم بین المللی یعنی نقض موافقتنامه بین امریکا و طالب، کشور هائی که اتباع شان حین خرابکاری در افغانستان دستگیر شده اند، نیز نظر به قوانین بین المللی به پاسخگویی کشانیده می شوند.

*- هرگاه در بین آنها قاچاقبران مواد مخدر وجود داشته باشد، گذشته از آن که با تثبیت آن، طالب به مثابه یک سازمانی که در قاچاق مواد مخدر سهیم است در جهان شناخته خواهد شد، امریکا هم که خواستار رهائی آن زندانیان می باشد، چلوصافش از آب بیرون کشیده می شود.

*- آنهایی که به جرم جنایاتی زندانی شده اند که حق العبد را باعث شده است، نیز مشخص شده، صاحبان حق، خود در زمینه تصمیم خواهند گرفت.

هموطنان گرامی!

مطالعه کردار "غنی احمدزی" حتماً قبل از رسیدن به کرسی ریاست جمهوری در دولت دست نشانده، گواه آن است که این انسان حقیر، با زندانیان طالب و بقیه تروریست ها بیشتر علاقه مندی و پیوند داشته است تا خلق دربند افغانستان. از همان رو به هزاران تن از آنها را قبل از رسیدن به کرسی ریاست جمهوری از بند رها نمود.

همچنین در تمام دوران حاکمیتش به هزاران جنایتکار حرفه ئی و قاتل خلق ما را به بهانه های مختلف ظرف ۶ سال اخیر از بند و زندان رها نموده و کمترین علاقه ای به حفظ جان مردم ما نداشته است.

از همین رو گفته می توانیم که ناز و نخره کنونی اش هم به جز بهانه ای جهت دوام حاکمیت خونبارش و به دست آوردن امتیازات چندی، علت دیگری ندارد.

هموطنان گرامی!

تا زمانی که استعمار و ارتجاع در کشور سرنوشت ما را تعیین می دارند، باید بپذیریم که چرخ دنیا و گذشت زمان به نفع جنایتکاران و قاچاقبران در گردش و گذر است، هرگاه خواسته باشیم تا بر جنایت نقطه پایان بگذاریم، می باید کمر همت سخت بر بندیم و نظام استوار بر منافع جنایتکاران، قاچاقبران و خاینان را از ریشه نابود نماییم.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبد!